



شهرزاد

هفتدانه مجازی

شماره نهم - جمعه ۳ شهریور ۱۳۹۶

ساکن طبقه وسط: نگاهی به فاصله طبقاتی در شهرزاد

گفت‌وگو با عوامل: علیرضا علویان

فضای مجازی: ۲۴ عکس نوشت و ۱۰ نقد مردمی

شهرزاد از نگاه چهره‌پردازان

هفته‌نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سردبیر: سید محمد صادق لواسانی
تحریریه: سپیده حیدر آبادی، شراره داودی،
سارا کتعمانی و پرینسا چیخندی
باسپاس از مسعود رفیع زاده و امید بهکار

طراح گرافیک: علی شکوری
عکس‌نوشین جعفری
عکس جلد: محمد اسماعیلی

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrzadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrzadseries](https://www.instagram.com/shahrzadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrzadseason2>

هفته‌نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrzadContact](https://t.me/ShahrzadContact) ارسال کنید



فهرست

- | | | | |
|----|----------------------------------|----|---------------------------------|
| ۳ | یادداشت: دکتر حمید رضا جلاتی پور | ۴ | خبر |
| ۵ | بازتاب | ۶ | گفت‌وگو با عوامل: علیرضا علویان |
| ۱۰ | فضای مجازی | ۱۴ | از نگاه منتقد: محمود گبرلو |
| ۱۶ | کامنت: فرهاد بینوا، قیاد ظالم | ۱۸ | ذره بین: ساکن طبقه وسط! |
| ۲۰ | عکس نوشت: قسمت نهم | ۲۲ | مخاطب خاص: چهره پردازان |
| ۲۶ | با هالی رسانه: عکاسان خبری | ۲۸ | قاب آینده: قسمت دهم |

سریال شهرزاد، «مسئله امروز» ماست

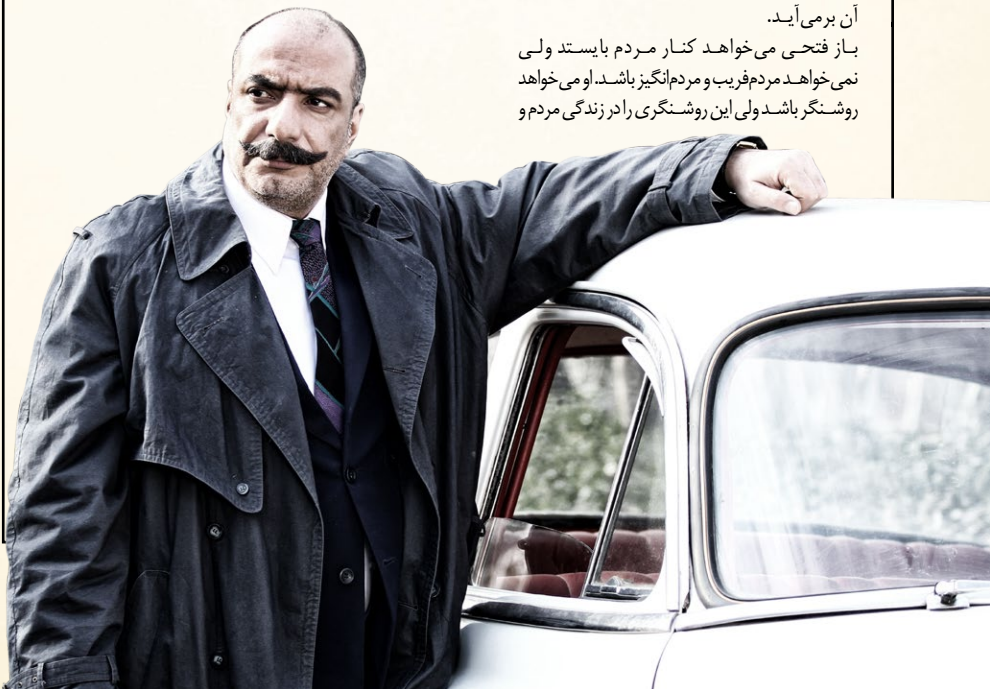
با نشان دادن زندگی اقشار گوناگون جامعه، انجام می‌دهد. از حیث مردمی بودن و در کنار مردم ایستادن، مدل هنرمندی حسن فتحی همانند مدل کار اصغر فرهادی و کارگردان ایدو و یک روز است. او حرف باارزش و غیر حکومتی را در یک اثر هنری طراز اول بیان کرده و از طرف دیگر اثرش مورد توجه عامه مردم هم قرار گرفته است. من به خانه‌ای رفته بودم که به اهالی آن خانه اصلاً نمی‌خورد که بیننده سریال طراز اولی مثل شهرزاد باشند؛ ولی با تعجب دیدم که آن‌ها، با اینکه به اصطلاح جزو اقشار فرهیخته جامعه نبودند، در حال تماشای سریال شهرزادند و هر هفته با جدیت آن را دنبال می‌کنند. این به نظر موفقیت بزرگی است. در بین آثار قبلی آقای فتحی هم، شب دهم و مدار صفر درجه کارهای خوبی بودند. بخصوص شب دهم هم مورد توجه مردم و هم نخبگان قرار گرفت. اما شهرزاد مساله امروز مردم ماست.

دکتر حمیدرضا جلالی پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



حسن فتحی هنرمند نافذی است. می‌دانید چرا؟ چون یک هنرمند است که می‌خواهد در کنار مردم باشد. در کشور ما هنرمندانی که در کنار مردم می‌ایستند کار سختی دارند. چون باید یک موضوع را به گونه‌ای بیروبراند که از یک طرف ارزش‌های عام و مردمی را مورد توجه قرار دهند و از طرفی هم باید جوری پیش بروند که حکومت هم با آن مشکل اساسی پیدا نکند. دیگر اینکه آقای فتحی از این حیث هنرمند جالبی است که در سریال شهرزاد با ظرافت توانسته بود «مسئله امروز» ما را از زبان قصه دیروز بیان کند؛ در واقع حرف امروز را زبان دیروز بیان کند. چنین کاری واقعا دشوار است و فتحی به خوبی از عهده آن برمی‌آید.

باز فتحی می‌خواهد کنار مردم بایستد ولی نمی‌خواهد مردم فریب و مردم‌انگیز باشد. او می‌خواهد روشنگر باشد ولی این روشنگری را در زندگی مردم و



شایعه جدایی چاوشی از شهرزاد

در هفته گذشته، انتشار قطعه سینا سرلک برای قسمت نهم و درج نشدن نام محسن چاوشی بر روی کاور این قسمت باعث شده بود که گمانه‌زنی‌هایی درباره جدایی محسن چاوشی از سریال «شهرزاد» انجام شود. همین موضوع نیز بسیاری از مخاطبان این سریال را نگران کرده بود. این در حالی است که سیدمحمد امامی تهیه‌کننده «شهرزاد» این شایعه را رد کرده و تصریح کرده بود که چاوشی در حال ساخت قطعات جدید برای سریال است. در عین حال، برخی از منابع، با اخباری متفاوت بر اختلاف چاوشی و این سریال تاکید کرده بودند. به نظر می‌رسد مخاطبان شهرزاد باید چند قسمت منتظر باشند تا با انتشار قطعه جدید چاوشی، خود به خود خط بطلانی بر این حاشیه کشیده شود.

افزایش قابل توجه عکس‌نوشت‌های شهرزادی

پس از اعلام مسابقه «عکس‌نوشت با تصاویر سریال» و «چیدمان با جلد شهرزاد»، تعداد پُست‌های مربوط به شهرزاد، افزایش قابل توجهی پیدا کرده‌اند. بر این اساس، هفته‌نامه شهرزاد در شماره نهم خود، دو صفحه بیشتر را به بازنشر پُست‌های اینستاگرامی شهرزادی‌ها اختصاص داده است. این مسابقه هر هفته سه برنده ۱۰ میلیون ریالی خواهد داشت. برای شرکت در این مسابقه باید عکس‌های مربوط را با هشتگ «#شهرزاد» در اینستاگرام به اشتراک بگذارید و صفحه رسمی سریال به آدرس [shahzadseries](http://shahzadseries.ir) را تگ کنید.

تولد هاشم‌خان دماوندی



در هفته گذشته که در بحبوه اتفاقات تکان دهنده سریال در قسمت نهم، فرهاد و قباد به درگیری رو در رو نزدیک می‌شوند و حضور پررنگی دارند و شهرزاد هم با «ته» گفتن، آتش را شعله‌ور کرده است، هاشم‌خان اگرچه نقش کوتاهی را ایفا می‌کند اما بازی قدرتمند او، نقش تمام و کمال یک حامی را به نمایش گذاشته است. مهدی سلطانی سروسناری هفته گذشته و چهارشنبه اول شهریور ماه ۴۶ ساله شد. شهرزادی‌ها تولد او را تبریک می‌گویند.



همکاری محسن چاوشی با شهرزاد زیر ذره بین رسانه‌ها

● یکی از اخبار مهم این هفته سریال شهرزاد مربوط به ترانه سینا سرلک بود که در تیتراژ آغازین و در وسط فیلم پخش شد، همین امر باعث گمانه‌زنی‌هایی درباره جدایی محسن چاوشی از این مجموعه شد.

● در هفته گذشته، گزارش شهرزاد از نگاه عکاسان سینما و تلویزیون نیز بازتاب خوبی داشت. علاوه بر این، همزمان با خبر اعلام انتشار هشتمین هفته‌نامه مجازی شهرزاد، یادداشت محمد آفریده که در ابتدای آن شماره درج شده بود، به صورت گسترده در رسانه‌های مختلف بازتاب داشت. گفت‌وگو با فریبسا متخصص که در شماره قبل مجله انجام شده بود نیز در تعدادی از رسانه‌ها باز نشر شد.

● روزنامه بانی فیلم در یکی از شماره‌های هفته گذشته خود، گفت‌وگویی با پرویز فلاحی‌پور انجام داده و در آن، درباره سریال شهرزاد و اینکه او دیگر نقش‌های کوچک و فرعی رانمی‌پذیرد، گپ و گفت کرده است.

● خبرگزاری ایلنا نیز در گزارشی با تیتراژ «جوهرات شهرزاد و انگشتر بزرگ آقاچه قیمتی دارند؟»، به موضوع محصولات جانبی سریال پرداخته است.

● تیزر جدید فصل دوم شهرزاد از دیگر اخبار پربازدید بود که کانال‌های مختلفی آن را منتشر کردند که از جمله می‌توان به کانال‌های فیلم نیوز، خبر آنلاین، سوره سینما، آخرین خبر، سینما تیکت، میزان، مجله فرهنگی و هنری و سینما مخاطب اشاره کرد.

● در ابتدای این گزارش آمده است: «در این روزها و همزمان با آغاز فصل دوم سریال، تمامی جوهرات مورد استفاده قرار گرفته از سوی بازیگران مجموعه؛ به تولید انبوه رسیده است و نکته جالب درباره این

● کاور قسمت نهم سریال با عکس ترانه علیدوستی، عکس پشت صحنه از حسن فتیحی و شهاب حسینی، اولین عکس از قسمت نهم سریال و همچنین بریده‌هایی از قسمت نهم، از جمله موارد دیگری بود که در هفته گذشته از سریال شهرزاد بازتاب داشت.



گفت و گو با علیرضا علویان، صداگذار سریال «شهرزاد»

هر دوشنبه با یک ظرف تخمه پای تلویزیون می نشینیم!

◀ شراره داودی

شاید خیلی از کسانی که با مسائل فنی دنیای سینما آشنایی نداشته باشند، صدابردار و صداگذار را هم با اشتباه بگیرند یا حتی اگر کمی بیشتر اطلاعات داشته باشند، تصور کنند صداگذاری تنها برای فیلم‌هایی که دوبله دارند، استفاده می‌شوند. اما اصل ماجرا چیز دیگری است؛ فیلم و سریال‌ها چه دوبله داشته باشند و چه نداشته باشند، هم صدابرداری دارند که سر صحنه صداها را ضبط می‌کند و هم صداگذاری دارند که در استودیو و در مرحله پس از تولید، بالا و پایین صداها را تنظیم می‌کند و اگر جایی لازم باشد صداهایی به آن اضافه می‌کند.

کار صداگذار هاسخت است و به قول خودشان، شیرینی فیلم و سریال دیدن به دلشان می‌ماند، از بس که هر سکانس و هر دیالوگ را بارها و بارها می‌شنوند و برای شان تکرار می‌شود! آن‌ها حتی وقتی پای نسخه نهایی می‌نشینند، دلهره این را دارند که جایی از کار مشکل فنی نداشته باشد.

«علیرضا علویان» یکی از صداگذارهای جوان و پرکار سینمای ایران است. نام او با بالیست بلند بالایی از فیلم‌هایی که در آن‌ها حضور داشته، همراه است؛ از داریوش مهرجویی و ابراهیم حاتمی کیا گرفته تا مصطفی کیایی و سعید روستایی! او با سه نسل از کارگردان‌های سینمای ایران کار کرده و بیش از ۴۰ سالگی، نخستین جایزه بین‌المللی صدای سینمای ایران را به دست آورده است.

او این روزها صداگذاری پروژه شهرزاد را بر عهده دارد. علیرضا علویان در نهمین شماره از «هفته‌نامه شهرزاد»، درباره همکاری با این سریال و کار صداگذاری صحبت می‌کند:





به هر حال گاهی کارگردان می‌خواهد تغییری را ایجاد کند یا اینکه در وصل کردن دو سکانس به یکدیگر، صدا و دیالوگ تازه‌ای نیاز می‌شود که این کارها را صداگذار در یک پروژه انجام می‌دهد. بعد از مرحله پایانی تدوین، در سریالی مانند «شهرزاد» که تاریخی است و در دوران امروزی فیلمبرداری می‌شود، هم کار صدابردار و هم کار صداگذار نسبت به فیلم‌های روز شرایط سخت‌تری دارد. صدابردار در صحنه با آمیبانس روز مواجه است، ممکن است هواپیمایی از محل فیلمبرداری عبور کند، ممکن است صدای آژیر و دزدگیر پخش شود و در حقیقت این‌ها صداهای مزاحمی هستند که صدابردار هم حواسش به آن‌ها هست. برای صداگذار هم شرایط به همین شکل است، اضافه کردن صدای درشکه و چرخ را داریم، در کار ما هم تعدادی حذف کردن و تعدادی اضافه کردن است. بعد از این کار میکس و بالانس کردن موسیقی و صداهای مختلف هم انجام می‌شود.

این افکت‌ها را داریم، مثلاً صدای درشکه؟

تعدادی صدای آرشیوی داریم که می‌توانیم استفاده کنیم، با این حال بعضی از صداهایی که می‌خواهیم

اگر بخواهید صداگذاری را به شکلی غیر تخصصی توضیح دهید، چه می‌شود؟

صداگذاری به طور کلی کار تخصصی محسوب می‌شود، اما عامیانه آن یعنی وقتی کار سر صحنه تمام می‌شود، راش‌ها به دست تدوین‌گر می‌رسد، کار تدوین‌گر که تمام می‌شود، یک نسخه برای موسیقی می‌رود و یک نسخه برای صدا می‌آید و در نهایت موسیقی هم به دست صداگذار می‌رسد تا فایل نهایی حاضر شود. در حقیقت مجموعه پس از تولید شامل تدوین، موسیقی، صدا، ویژوال و اصلاح رنگ می‌شود.

فیلمبرداری سریال شهرزاد در دهه ۹۰ است و می‌خواهد دهه ۳۰ را روایت کند و به هر حال داستان در دهه‌ای است که برخی از آلمان‌های امروز اصلاً تعریف نشده بوده، به همین دلیل باید روی برخی از آن‌ها، عملیات‌هایی مثل حذف کردن اتفاق بیفتد.

شاید تصور عمومی این باشد که صداگذاری در فیلم‌ها مخصوص آثار است که دوبله دارند، اما این طور نیست و می‌بینیم که همه آثار صداگذار دارند، صداگذار دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد؟

گفت و گو با عوامل

شکلی پیش می‌رود که به اندازه‌ای که من به آن عشق می‌ورزم، نتیجه نمی‌گیرم. اینکه من را بهترین صداگذار بدانند، چه اتفاقی قرار است برای من رخ دهد. کسی که ۲۰ سال قبل بهترین صداگذار سینمای ایران بوده است، اما الان خبری از او نیست، شاید دیگر کار نمی‌کند، اما چرا امکان پرورش نیرو را ندارد؟ چرا رفاه کامل ندارد؟ به هر حال روزگاری بهترین بوده است. اگر این شرایط را در همه شاخه‌ها بسط دهید، می‌توانید نمونه‌های آن را هم پیدا کنید.

را هم به صدابردار می‌گویم تا سر صحنه برای مان بگیرد. گذاشتن صداهای صحنه‌ای که سر صحنه گرفته نشده‌اند، کار صداگذار است، یعنی وظیفه او نزدیک کردن فضای صحنه به خواسته کارگردان در سکانس‌های مختلف است.

■ کار شما با کار صدابردار ارتباط مستقیم دارد؟

صدابردار، موسیقی و تدوین‌گر.

■ آقای علویان به هر حال شما هر قسمت سریال شه‌زاد را چندین بار می‌بینید و کارهایش را انجام می‌دهید، با این حال باز هم سریال را دوشنبه‌ها و وقتی به بازار می‌آید، می‌بینید؟

بله، می‌بینم! به هر حال مانند دفعه اول نیست. البته خود ما هم وقتی برای اولین بار هر قسمت به دستمان می‌رسد، خیلی سریع پای آن می‌نشینیم و قصه را دنبال می‌کنیم. اما باز هم دیدن نتیجه کارمان لذت

■ شما از ابتدا به عنوان صداگذار وارد سینما شدید؟ چطور شد که در این راه قرار گرفتید؟

من از ۲۲ سالگی به طور مستقل صداگذاری را شروع کردم. ماجرای ورودم به سینما از پس‌رادی‌ام شروع شد که زمان ساخت فیلم کوتاهش با محمود موسوی‌نژاد آشنا شدم. ایشان صداگذاری انجام می‌داد و من هم دستیار او را کردم.

بعد از آن کار، صداگذاری را

در استودیوی «اندیشه» و در کنار محمد آلا‌دپوش و نازنین مفخم ادامه دادم. حضور در کنار این دو نفر تاثیر بسزایی در مسیری که طی کردم و امروز در آن هستم، داشت. کار حرفه‌ای من با «سالادفصل» و با فیلم‌هایی چون «اسپاگتی در هشت دقیقه»، «شوریده»، «سنتوری» و «پله آخر» ادامه پیدا کرد.

■ در حقیقت ورود شما به سینما و به این شکل چیزی نبود که برایش برنامه‌ریزی کرده باشید!

به هر حال همیشه علاقه‌مند به سینما بودم، اما صداگذاری را بیشتر تجربی یاد گرفتم و حالا با بودن در آن لذت می‌برم.

■ اینکه گاهی برخی عوامل پشت دوربین کمتر دیده می‌شوند، اذیت‌کننده نیست؟ بحث این است که شاید در سینمای ما شرایط به

↓

کسی که ۲۰ سال قبل بهترین صداگذار سینمای ایران بوده، الان دیگر خبری از او نیست. چرا او امکان پرورش نیرو ندارد؟ چرا رفاه کامل ندارد؟





خودش را دارد و با یک ظرف تخمه پای تلویزیون می‌نشینیم!

■ باز خوردهای سریال را چقدر دنبال می‌کنید و یا چقدر برای تان مهم است؟

باز خورد زیاد داریم، اما من خیلی دنبال نمی‌کنم، چون واقعا آدم نمی‌داند که چه کسی از روی حسن نیت نظر می‌دهد و چه کسی با غرض ورزی صحبت می‌کند! به همین دلیل خیلی دنبال نمی‌کنم و کار خودم را انجام می‌دهم، همان قدر

که از نظرات مثبت و

تشویق‌ها خوشحال می‌شویم، به همان اندازه هم نقدهای سازنده به کار کمک می‌کند؛ اما گاهی وقت‌ها افراد نقد را با اعمال سلیقه اشتباه می‌گیرند و به همین دلیل

ممکن است ما هم آن‌ها را پس

بزنیم، البته اگر نقد فنی نسبت به کار خودم

باشد را خیلی خوب می‌شنوم، اما باز خوردهای کلی

مجموعه را خیلی دنبال نمی‌کنم، چون نمی‌دانم

کدام یک واقعی هستند.

■ خودتان چرا شهرزاد را دوست دارید؟ چون در این گروه کار می‌کنید؟

کار کردن با این گروه خیلی هیجان‌انگیز است، کار کردن با آقای فتاحی حتی اگر سختی‌هایی داشته باشد، خیلی عالی است و کلی چیزهای جدید یاد می‌گیری، خود من دیالوگ‌های سریال را خیلی دوست دارم، بازی‌ها خیلی خوب است و فکر می‌کنم برای هر کسی این مجموعه جذابیت خودش را دارد. من به عنوان یک تماشاگر عادی از قصه لذت می‌برم.



با اینکه در مرحله فنی، چندین بار هر قسمت «شهرزاد» را می‌بینم اما هر دوشنبه، حداقل برای اینکه دیدن نتیجه کارمان لذت خودش را دارد، با یک ظرف تخمه پای تلویزیون می‌نشینیم!

■ کار کردن با آقای فتاحی چطور است؟

شخصاً از آقای فتاحی انرژی می‌گیرم! وقتی می‌بینم ایشان صبح سر صحنه است، بعد از ظهر سر میز تدوین و بعد از آن هم برای موسیقی و صدا حاضر است و به جای اینکه ما به او «خسته نباشید» بگوییم، او به ما «خسته نباشید» می‌گوید!



فضای مجازی



سام نوری و عکسی از او در دهه ۱۳۰

به دلیل آنکه در هفته گذشته تعداد پُست های شهرزادی به اشتراک گذاشته شده در اینستاگرام بسیار زیاد بود، در شماره نهم هفته نامه و برخلاف هشت شماره قبلی، صفحات فضای مجازی از دو به چهار صفحه افزایش یافته است.

این پُست ها با هشتگ #شهرزاد در اینستاگرام منتشر و صفحه رسمی سریال روی آن تگ شده است.



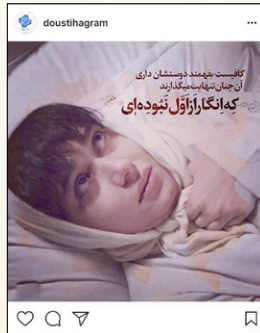
ربانی که یک مخاطب برای کارگردان، تهیه کننده و بازیگران شهرزاد پیچیده است



تبریک تولد مهدی سلطانی (اول شهریور ماه) به سبک امیرحسین فتحی در اتاق گریم شهرزاد



تفریحی به نام شهرزاد دیدن...



کافیست بفرستد دوستان داری، آنچنان تنهایت میگذرند که انگار از اول نبوده ای





طراحی های زیبای شهاب جعفر نژاد از عاشقانه های شهرزاد را در صفحه رسمی ایشان ببینید



مخاطبی که می گوید دیالوگ هاشم خان در قسمت نهم به دل او نشست است؛ "عروس بریم"



چیدمان یا جلد قسمت نهم شهرزاد توسط یک مخاطب



طراحی چهره هاشم خان دمانودی توسط یک مخاطب هنرمند



متن زیبای یک مخاطب درباره گردنبند مرغ آمین شهرزاد



به وقت شهرزاد دیدن در گرمای تابستان





عکس نوشتی که حال این روزهای فرهاد را به زیبایی توصیفی کند



طراحی زیبایی یک مخاطب از شهزاده فرهاد و عاشقانه های آنها



قبل از اینکه سلام اش را علیک بگویم، آتش را به جانم کشیدم، انقدر در جاده زندگی مرا دواند که بی رمق شدم، دست به دامن چه کسی بشوم برای این عشق لااقرار...!



زیبایی ها به رنگ آبی هستند، آسمان، دریا، رویاها، عشق ها و حتی مرغ آمین ها



چیدمان با جلد قسمت نهم سریال



تغییر در عکس کاور قسمت نهم سریال شهزاد





دیگه خسته شده ام از اینکه برای توصیف من بگویند: چقدر خوب آدم ها را آرام می کنی...



دیوانه می رود تمام دوست داشتن را به هر جان کنده می کند، از هر دری می زند... زیر بغل می ریزد پای کسی که قرار نیست بفهمد دوستش دارد...



دوست داشتن کسی که دوست نداره، بغل کردن کاکتوسه میمونه، هرچی محکمتر بغل کنی، بیشتر آسیب می بینی...



طراحی یک مخاطب باجلد قسمت نهم شهرزاد



وای از آن روزی که چشمان کسی خشک شود به دره که شاید مفریش بیاید و مهانش را بر آغوش بگیرد...



عکسی که یک مخاطب از قسمت نهم شهرزاد به اشتراک گذاشته است



چرا «شهرزاد» را دوست داریم؟!



◀ محمود گبرلو

شهرزاد را دوست داریم چون به آن نیاز داریم. شهرزاد را دوست داریم چون روح و روان مان به شهرزاد وابسته است و خودمان و زندگی مان را در این مجموعه می بینیم، زیرا آدم‌های آن از جنس خودمان هستند. قصه، عشق، تلخی و شادی شهرزاد انگار همان چیزی است که ما گرفتارش هستیم. اصلا انگار دنبال یک گمشده‌ای بودیم که حالا پیدایش کردیم. سال‌ها بود با فانوس در تاریکی دنبال چیزی می گشتیم که حال مان را خوب، و نیازمان را برآورده کند. خیلی‌ها آمدند و ادعا کردند اما نشد که نشد و بدتر روحمان آزاده و ذهن مان خسته و متفرد شد. با خودمان می پرسیدیم چرا دروغ؟ چرا ریا؟ اما اینبار اصل خودش بوده، اصل اصل. وای که چقدر شادم...

کارگردان سریال شهرزاد درک درستی از ساختار درام دارد و می داند کجا با احساسات تماشاگر بازی کرده و او را مطابق با اندیشه هایش تنظیم کند، حتی اگر با روایتش موافق نباشیم اما مجذوب روایتش هستیم و ناخودآگاه باور می کنیم روایت او منطقی و مستدل است و این علاوه



حرف می‌زنند، حرکت می‌کنند، نگاه می‌کنند، اشک می‌ریزند، راه می‌روند، نزاع می‌کنند و... نکته دیگر نیز، متن درخشان و بیاد ماندنی «شهرزاد» است که با قلم ثمینی و فتنی برای این سریال، ایهت و افتخار ایجاد کرده است. و نکته آخر... چه می‌کند این حسن فتاحی. چقدر سریع گام به جلو برداشته و برای خودش نابغه‌ای شده است.

بر قدرت درام، نشان از هوش و ذکاوت کارگردان در انتخاب تمام اجزاء از بازیگر گرفته تا حتی قطعه کوچکی از لوازم صحنه دارد.

«شهرزاد» سردمدار تحول در سریال سازی، فیلم سازی، بازیگری، روایت های تاریخی، مخاطب پذیری، سرمایه گذاری و رونق صنعت نمایش های خانگی در عصر حاضر این مدیوم در ایران است. اما در این میان چرا فیلمسازی؟! بخاطر آنکه در عصر امروز و با ورود تلویزیون های بزرگ و سیستم های دیجیتال، قاب سیما با قاب سینما با فاصله ای اندک، بسیار شبیه به هم شده اند و این را کارگردان خوب درک کرده است. (نمایش شهرزاد در پردیس های سینمایی)

«شهرزاد» متولیان فرهنگی را از خواب خرگوشی بیدار کرد و آن ها تازه فهمیدند که چقدر از نیاز های مخاطب امروز بی اطلاع هستند. آن ها به بهانه های واهی سریال های پیش پا افتاده، سخیف و سطحی را به خورد مردم دادند اما با اینکه تماشای آن ها مجانی بود، مردم هرگز از آن ها استقبال نکردند. شهرزاد نشان داد می توان به سمت شبکه های خصوصی گام برداشت و کاری کرد که مطمئن باشیم اتفاقی نمی افتد.

نمی توان در «شهرزاد» از دو چیز مهم تر گذشت. بازی های درست و جذاب بازیگران از علی نصیریان تا آن لوطی داخل کافه، همه شان ستودنی است. با آنکه مدت ها است از تولید آن می گذرد همه درست و اصولی





فرهاد بی نوا، قباد ظالم

قسمت نهم سریال «شهرزاد» پرسش‌ها و بحث‌های زیادی را در فضای مجازی موجب شده است. اولین پرسش درباره رفتار قباد در قبال بازگرداندن شهرزاد است، از سوی دیگر، رفتار فرهاد برای مقابله با تهدید به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد و در کنار این دو، شهرزاد است که نشان داده اگر چه قاطع سخن می‌گوید اما فرزند خردسالش می‌تواند در رفتار او نوعی نلزل را ایجاد کند.

هفته گذشته پس از انتشار قسمت نهم سریال، تعداد نظراتی که به اکانت (@ShahrzadContact) در تلگرام ارسال شده، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. از آنجا که آمده است:

شهرزاد است.
 ● ملیکا ملکیان: ما در فصل اول فرهاد دماوندی عاشق دل شکسته و آزادیخواه ناکام رو دیدیم که در آخر، بعد از سرازیری‌های سرنوشت به شهرزاد رسید. توی فصل دو داریم مردی رو می‌بینیم که باز هم عاشقه و باز هم آزادیخواه، اما الان جان تازه گرفته و از زندگی شهرزاد و رویاهایی که با کودتا برپاد رفت رو می‌خواود و دوست نداره همسرش حرف سر به مهری داشته باشه. عصبانیت و زودقضاوت کردنش تو قسمت نهم نشون داد که فرهاد هرچقدر هم عاشق باشه و آزادیخواه، هرچقدر هم به شهرزاد بگه بیشتر از خودم بهت اعتماد دارم، باز هم یک مرد متعصب ایرانیه، اون هم از نوع

● سمیرا: بعضی‌ها دلشون می‌خواد که شهرزاد از فرهاد جدا بشه برگرده با قباد زندگی کنه... مگه زن‌ها دستمالن که هر کسی خواستشون پیش همون باشن... خودشون حق انتخاب ندانن؟ شهرزاد، فرهاد و امیدو کنار هم می‌خواد و هیچ ارزش و احترامی برای قباد قائل نیست...

شهرزاد بالاخره بعد از ۳۶ قسمت که از فصل اول تا الان حلی کرده، در قسمت نهم فصل دوم فهمید که عشق واقعی با شجاعت معنی داره، غیر از این احساس شهرزاد به فرهاد عشق نیست، هوسه.

● فرزانه: یک داستان ساده را اگر از زاویه‌ای متفاوت روایت کنید، افسانه می‌شود! و این معنای



چند دهه پیشش، فرهاد خواه یا ناخواه وقتی زندگیشو در خطر ببینه، ممکنه کاری ازش سر بزنه که پشیمونی بزرگی رو بدنبال داشته باشه. فصل دو داره اون روی سکه شخصیت‌ها رو نشون میده. فرهاد دماوندی که طرفدار حقوق برابر و آزادپخواه، اما شوهری متعصبه، فرهادی که شهرزادشو بدست آورده اما بخاطر فرزند همسرش مجبوره دست به عصا باشه و دل نگرون و حساس به کوچک‌ترین اتفاقات که مبادا شهرزاد که الان مادر هم هست، خودش رو فدای امیدش بکنه. در مقابل، شهرزاد قصه رو می‌بینیم که هنوز دخترک عاشق و مصمم درونش هست و اتفاقات خلاف میلش و پستی و بلندی‌های سرنوشت و تقدیر ذره‌ای اعتقادات و اصولی که بهشون پایبنده رو تغییر نداده. ما همسری رو می‌بینیم که با چنگ و دندان سعی داره پرده حرمت و احترام بین خودش و فرهاد پاره نشه و چیزی پنهانی نداشته باشه که از طرفی باید نگران باشه، مبادا همسرش احساس خطر کنه مبادا اعتمادی که بینشون از بین بره و این همسر بخاطر مرغ آمینی که پاره شده زار می‌زنه چون ترسیده که ستون‌های زندگیش قبل اینکه قباد خرابش کنه فرهاد خرابش کنه.

● شهرام: متاسفانه این سری از شهرزاد ضعف نوشتاری دارد و بیشتر تبدیل به سریالی گنگستری شده که از فضای ایرانی دور و حال و هوای عاشقانه‌ی سریال کاملاً به حاشیه رفته که دیگر اهمیتی ندارد. * زهر! به نظر من شهرزاد نمونه یک زن کامل و قدرتمند و مطمئن که پای حرفش وایمیسته، هم عشقشو نگه میداره هم بچشو...

● گیلدا: خواستم نظر کلی راجع به روند فصل ۲ بدهم، من قسمت ۹ رو خیلی دوست داشتم و برعکس خیلی از مردم، به نظرم فصل دو شهرزاد خیلی محکم پا گذاشته و قطعاً هر قسمت از قسمت بعدی بهتر خواهد شد. من به شخصه، اینکه فصل دو با روند آرام‌تری نسبت به فصل اول در حال حرکت است را دوست دارم به دلیل اینکه به کوچکترین زوایا پرداخته میشه، تنها خواهش و آرزوی من این است که شخصیت‌ها اگر چه دستخوش تغییرات می‌شوند اما به طور کلی تغییر نکنند. بهتر است ذره ذره وجودشان به آرامی تغییر کند که دل مخاطب را نزنند.

● نرگس: به نظر من قبادا که می‌خواست شهرزاد

رو داشته باشه، باید اون موقع که بزرگ آقا بود دست از ترسو بودن بر می‌داشت، مگه وقتی شهرزاد با قباد بود، فرهاد به شهرزاد همچین پیشنهادی داد؟؟ فرهاد دماوندی شخصیت مثبت داستان که با اطراف خودش در اون زمان می‌خواد ارتباط برقرار کنه، ولی زور اطرافش به تلاش‌های اون می‌چیره، ولی مطمئنم که فرهاد این دفعه برنده میشه و شخصیت نیمه خاکستری قباد که داره با زور خاندان دیوان سالار که واقعا حق قباد نیست، شهرزاد و فرهاد قصه رو از هم جدا می‌کنند. در واقع قباد نماد مردم جاه طلب اون ایامه.

● ملیکا آقاجانی: نه شهرزاد مقصره، نه قباد، نه فرهاد. بزرگ آقا مقصره. کسانی که میگن قباد مقصره به لحظه فکر کنن که قباد بزور با شیرین ازدواج کرد و همینطور به زور با شهرزاد! تا به شهرزاد دل بست مجبور به طلاق شد. قباد یه قربانی بود هیچکس درک نکرد.

● لیلی: به نظر من خیلی بی‌انصافیه که فرهادو متهم کنیم که چرا با خشونت رفتار کرد و گردن‌بند رو پاره کرد. توی سکس‌های مختلف سریال چه توی فصل اول و چه توی فصل دوم، شخصیت فرهاد به شکلی نشون داده شده که مخاطب ازش انتظار بهترین رفتار رو در هر حالتی داره و انتظار داره که همیشه قربون صدقه‌ی شهرزاد بره و همه چی رو نادیده بگیره. ولی مخاطب باید به این فکر کنه که فرهاد قبل از اینکه به جوان دانشجوی ادبیات عاشق پیشه باشه، یه مرده و طاقت کارای قباد رو نداره و همین‌طور تردیدهای شهرزاد (که از طرفی کاملاً قابل قبوله) رو نداره. بلاخره صبر اون هم تموم میشه. یقیناً این نشونه‌ی این نیست که علاقه‌اش به شهرزاد کم شده، بلکه این رفتار از بخش مردونه‌ی وجودش سرچشمه می‌گیره که نمی‌خواد به هیچ وجه عشقشو از دست بده و یه مرد دیگه تصاحبش کنه. در واقع رفتارهای فرهاد آمیزه‌ای از عشق، ترس، نفرت و تعصبه. رفتارهایی که مخاطب فقط بخش اولشواز فرهاد انتظار داره.

● مهدی: جذابیت شخصیت قباد به خاکستری بودنش ولی فرهاد و شهرزاد وقتی باهم باشن، یکم از حال و هوای عاشقانه فیلم نسبت به فصل اول کم کردن.



ساکن طبقه وسط!

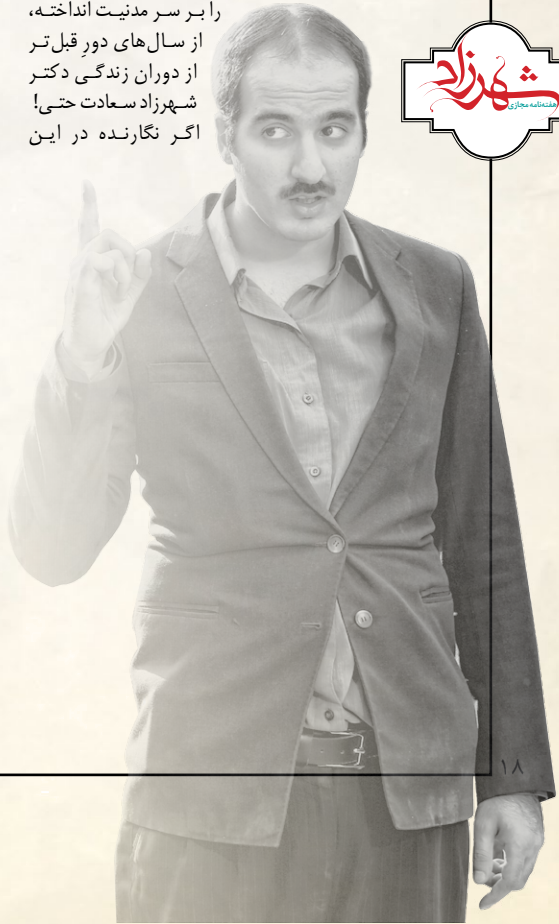
◀ سارا کتعی

هر هفته در ذره بین بخشی از سریال شهروزاد مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. در شماره نهم به سراغ فاصله طبقاتی رفتیم و به آن پرداختیم.

چطور می‌شود رگه‌های اجتماعی در یک اثر سینمایی یا تلویزیونی پررنگ شود، بدون آنکه حرفی از «فاصله طبقاتی» به میان آورده شود؟ این پدیده شوم زندگی شهری از دیرباز سایه خود را بر سر مدنیت انداخته، از سال‌های دور قبل‌تر از دوران زندگی دکتر شهروزاد سعادت حتی! اگر نگارنده در این

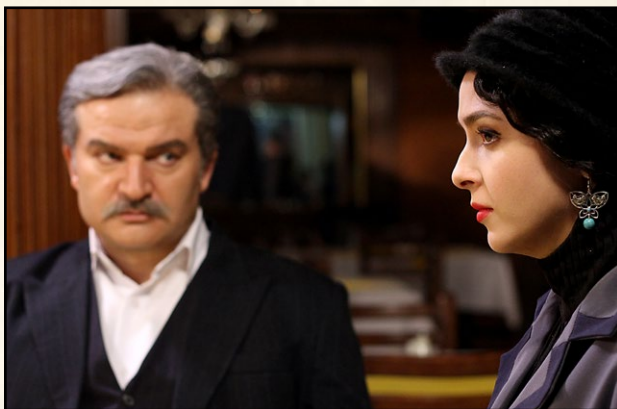
مقدمه اسم او را می‌برد، دلیلش این نیست که این یادداشت در مجله‌ای به اسم شهروزاد و تابع سریال حسن فتحی، منتشر می‌شود؛ دلیلش آن است که کاراکتر اصلی این ملودرام جذاب، یکی از معدود کسانی است که هرگز نخواست به سودای بالا بردن طبقه اجتماعی خودش، دست به دامن مال و مکنّت بزرگان یا مجیز گوی هر کار درست و نادرست‌شان باشد و اصلاً برای همین است که شخصیت اصلی مجموعه شده و نامش بر پیشانی سریال، نقش بسته است. او یک زن پیشرو در دهه ۳۰ شمسی است که وقتی می‌شنیده اهالی عمارت بزرگ آقا، پدرش را رعیت و او را رعیت‌زاده می‌خوانند، این حرف را پشت گوش می‌انداخته و محکم‌تر به کتاب‌های شعر و تاریخش می‌چسبیده و در کنار آن، از حساب و کتاب و علوم تجربی هم غافل نشده تا به آنها که ثروت‌شان بیاد در گلوبیشان انداخته، ثابت کند درد که به جان جامعه افتاد، فقیر و غنی، نیازمند اهالی علم و اندیشه هستند. اما آیا سایر کاراکترها هم این چنین درست و به قاعده، راه پیشرفت‌شان را انتخاب کرده‌اند؟

آدم‌های «شهروزاد» همه در اندیشه بالا رفتن هستند و هر کسی به فراخور آرزوها و جهان‌بینی‌اش این راه‌پله را طی می‌کند. عجیب هم نیست، چراکه چیز زیادی از بیروزی مشروطه نمی‌گذرد و تعداد بیدارشدگان آنقدری هست که سر و صدایشان، خواب‌مانده‌ها و به خواب‌زده‌ها را هم از کنج اتاق، بیرون بیاورد. مردم به پا خواسته‌اند و در فکر بهتر شدن هستند، اما هر کسی توانایی درک مسیر درست را ندارد و اینجاست که ارزشی به نام کرامت انسانی، به فراموشی سپرده می‌شود. فرقی نمی‌کند سکانس، در خانه هاشم‌خان باشد یا در اداره رسمی



شهربانی؛ در همه حال کسی هست که دیگری را بی‌پروا تحقیر کند و عجیب آن که این دیگری هم انتظار چنین برخوردی را دارد! شاگرد بینوای حجره فرش‌فروشی و کارمند لغز‌خوان اداره حاضرند برای نیل به خواسته خودشان، توهین مستقیم و کنایه غیرمستقیم را به جان بخرند و انگار قرار است وقتی به جایگاه مطلوب رسیدند، حافظه‌شان هم پاک بشود و به خاطر نیاورند که چگونه برای این بزرگ شدن، کوچک شدند. حد‌اعلای این فراموشی عزت‌نفس در کارا کتر اکرم نمود یافته است؛ دختری که ابتدا او را به خاطر نان‌آور خانه بودن و مقابله کردنش با اعتیاد پدر تحسین کردیم و حتی خواستیم از بدجنسی‌اش در حق صاحب‌کار خیاطش هم چشم‌پوشی کنیم اما کم‌کم متوجه شدیم او حاضر است برای تبدیل شدن از یک ندیمه به بانوی خانه، حتی تا پای اعدام شدن کسی که زمانی همدم او بود، پیش برود و شأنیت لفظ «عروس» را تا حد «کنیز آقا بودن» پایین بیاورد. گاهی در میانه تماشا، به خود می‌لرزیم که این اوضاع دردآور، زمانی نه چندان دور بر جامعه کشور ما حاکم بوده است و تا می‌آییم به خود دلاری بدهیم که چندین دهه با آن زمان فاصله داریم، گویی کسی از درون به ما نهیب می‌زند که هنوز هم گاهی تلاش تحسین‌برانگیز برای ارتقای سطح زندگی و طبقه اجتماعی‌اش را با تقلائی تا سقف‌بار عوض می‌کند و رسالت یک سرپال چیست به غیر از اینکه بعضی اوقات هم این چنین تلنگر داشته باشد؟





شهرزاد: من می خواهم با همین «نه» بجنگم تا پسرم رو پس بگیرم. با همین «نه» بجنگم که بتونم کنار همسرم بمونم. آگه می گفتم آره پسرم رو داشتیم، اما من، من نبودم!



شیرین: من دیوونه‌ام، من دیوونه‌ام... عبدلی: نه دیوونه نیستی! من دیوونه‌ام که تو رو از اون مخمسه آوردم بیرون و خودم رو انداختیم توی گه!



هاشم خان: به من باشه، تو عروس منی، عروس منم می مونی..





قیاد: شهرزاد باید برگردد عمه جون! وگرنه... قیاد می‌زنه به سیم آخر، به روح پدر و مادر، به جان به دونه پسرم کبیر. بدجاییه سیم آخر...



آره فرهاد! به پیشنهاد فکر کردم، به امید! به همیشه با امید بودن! به ترس از اینکه اگه قیاد جری بشه، دیگه نذاره من این بچه رو ببینم! به ترس از اینکه فردا خود امید من رو نبخشه! به اینکه اون خونه برای بزرگ شدن به بچه اصلا امن نیست! به تو... به خودمون..



شهرزاد خانم سعادت! آقای قیاد دیوان سالار رسماً از شما تقاضا دارند از جناب دماوندی متارکه کنید و برگردید سر خونه زندگی سابقتون، به عنوان عروس دیوان سالار و مادر فرزند ایشون.





شهرزاد از نگاه چهره‌پردازان؛

شهرزاد مخاطب را تشنه نگه می‌دارد

◀ سپیده حیدرآبادی

بدون شک، کیفیت طراحی چهره بازیگر می‌تواند جزو مهمترین فاکتورها برای باورپذیری و اثرگذاری یک شخصیت در ذهن مخاطب باشد. چهره‌پردازی زمانی اهمیت دو چندان پیدا می‌کند که قرار باشد فضایی متفاوت نسبت به آنچه مخاطب هر روز پیش روی خود می‌بیند، خلق شود. سریال شهرزاد از مجموعه‌هایی است که از ابتدای پخش خود در فصل اول، در بخش چهره‌پردازی بازیگران مورد توجه مخاطبان قرار گرفته بود. از این رو، در نهمین شماره از هفته‌نامه شهرزاد، ۱۰ طراح چهره‌پردازی درباره نقاط قوت و ضعف این بخش در سریال سخن گفته‌اند:

شهرزاد هم مانند سایر آثارش عالی است و این امر یعنی چهره‌پردازی هم یکی از عوامل موفقیت در این سریال است. همانطور که روایت عشق در این سریال بر موفقیتش دو برابر تأثیر گذار بوده است. این سریال زمانی از تاریخ را روایت می‌کند که بسیار دلچسب است، مخصوصاً برای من و افرادی هم سن و سال من که آن دوران را دیده‌ایم. به همین دلیل هم از دیدن شهرزاد بسیار لذت می‌بریم، چون زندگی را به همان شکل واقعی‌اش به تصویر کشیده است. علاوه بر چهره‌پردازی، طراحی صحنه و لوکیشن آن هم مخاطب را به سمت خود می‌کشاند. شهرزاد یک اثر موفق در کارنامه کاری حسن فتحی است.

مرضیه پاک‌نیت



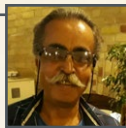
چهره‌پردازی سریال شهرزاد بسیار خوب و حرفه‌ای انجام شده است و تا حدودی با دوره زمانی که روایت می‌کند تطابق دارد. شهرزاد به دلیل روایت عشقی که دارد به خوبی توانسته مخاطب را به سمت خود جلب کند. به دلیل ضعف بودن سریال‌های تلویزیونی مخاطب حتی با پرداخت هزینه به دنبال این نوع فیلم‌ها و سریال‌ها است که جذاب و پرکشش باشد و او را برای دیدن قسمت بعدی تشنه نگه دارد. شهرزاد توانسته بیننده خود را حفظ کند و علاوه بر مخاطبان عادی، ما هنرمندان هم این سریال را دوست داریم و دنبال می‌کنیم. شهرزاد در واقع یک نوع نوآوری در سریال‌سازی ایران بوده است. به آقای حسن فتحی تبریک می‌گویم و به همه عوامل خسته نباشید می‌گویم.

لیلا پرهیزکار



من هم فصل اول و هم فصل دوم این سریال را دیدم. به نظرم فصل اول پخته‌تر و به دوره زمانی که روایت می‌کند، نزدیکتر است و شخصیت‌ها قابل قبول‌تر هستند. باید یادآور شوم که این نظر تنها من نیست، بلکه دوستانی که نزدیک هستند و معمولاً با آنها این سریال را

حسین اردستانی



عبد... اسکندری در کارش حرفه‌ای است و هر کجا باشد کارش را به بهترین شکل انجام می‌دهد. او از پیشکسوتان چهره‌پردازی است که همیشه در کارش نوآوری داشته است. حسن فتحی نیز از دوستان نزدیک من است. او روانشناسی خوانده است و در دانشگاه دوره تئاتر را نزد من گذراند، یعنی من استاد دانشگاه او بودم. فتحی از کارگردان‌های کاربلد بسیار باخلاق و موفق است. سریال شب دهم و شهرزاد از این کارگردان را بسیار دوست دارم اما تا به امروز به عنوان گریمر با او همکاری نداشته‌م. بی‌شک فتحی از کارگردان‌های سریال‌سازی است که اکثر مخاطبان آثار او را دوست دارند.

عباس افشاریان



یکی از مؤلفه‌های موفقیت سریال شهرزاد، حضور عبد... اسکندری به عنوان چهره‌پرداز است. زیرا او از باتجربه‌های این حوزه است که کارش را خوب بلد است. من معتقدم هیچ فرد دیگری به اندازه عبد... اسکندری نمی‌توانست از عهده پروژه عظیم شهرزاد برآید. او همانند دیگر آثاری که در آن‌ها همکاری داشته، توانسته در شهرزاد هم از تجربه‌هایش در گریمر بازیگرها به خوبی استفاده کند. به نظرم در کنار فیلمبرداری، صداپردازی، بازیگری، تهیه‌کنندگی و... چهره‌پردازی این مجموعه پرطرفدار هم به خوبی درخشیده است. البته به جز این، نمی‌توانستیم انتظار دیگری از سریال شهرزاد داشته باشیم. زیرا کارگردان حرفه‌ای و پر قدرتی مانند حسن فتحی بالای سر آن قرار گرفته است.

علی اکبر بهادری



وقتی عبد... اسکندری مسئول چهره‌پردازی در اثری باشد، دیگر جای هیچ صحبتی باقی نمی‌ماند، زیرا او در کارش بی‌نظیر است و به بهترین شکل ممکن از عهده کارش بر می‌آید. کار او در



مخاطب خاص

بخش نقصی نخواهد داشت. در سریال شهرزاد، چهره‌پردازی‌ها در فصل دوم بهتر و قوی‌تر از فصل اول است. به عنوان مثال کریم فرهاد (مصطفی زمانی) عالی است زیرا گریم‌ها با دوره زمانی که روایت می‌کند، کاملاً تطابق دارد. حسن فتحی کارش را بسیار خوب می‌داند و من افتخار همکاری در سه اثر را با وی داشتم، به همین دلیل می‌گویم فتحی در قصه، شخصیت‌پردازی و معرفی کارکترها حرفه‌ای است. نه تنها من بلکه دوستانی که با آنها درباره سریال شهرزاد و آثار فتحی صحبت می‌کنیم، معتقدند که فتحی معمولاً سه قسمت اول شخصیت‌ها را معرفی می‌کند و در قسمت‌های بعدی آن چنان ما را با شخصیت‌ها آشنا کرده که دیگر نقطه نامفهومی درباره آنها برای مخاطب باقی نمی‌ماند.

می‌بینم هم همین نظر را دارند و این درحالیست که قصه همان است و دوره زمانی هم که روایت می‌کند همان است اما تغییرات زیادی به چشم می‌خورد. البته این نظر به معنای بد بودن سریال نیست بلکه مقایسه‌ای با فصل اول همین سریال با همین عوامل و کارگردان است. در مجموع به آقای حسن فتحی و عوامل سریال تبریک و به همه آنها خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم این موفقیت ادامه‌دار باشد.

محمد علی جهانگیر پور



طبیعی است وقتی کار چهره‌پردازی اثری با عبدا... اسکندری باشد، آن فیلم یا سریال در این



پروین نویدی یکتا



سرریال شهرزاد را بسیار دوست دارم زیرا روایت بسیار خوبی دارد. با احترام به عبدا... اسکندری استاد بزرگ چهره پردازی به نظر می‌گیرم. بازیگرها و مخصوصا خانم‌ها به روز نیست. زیرا طبق آنچه از آن روز گاران به یاد داریم دخترهای خانه بسیار ساده بودند و مادران خانواده فقط وقتی می‌خواستند عصرها جایی بروند، به خودشان و صورتشان می‌رسیدند اما در سرریال شهرزاد ما می‌بینیم خود شهرزاد حتی مواقعی که در موقعیت‌های مناسب قرار ندارد (بر ای فرهاد مشکلی پیش می‌آید، پدرش فوت شده بود، بچه‌اش را از او دور کرده بودند) صورتش آرایش شده است و حتی در سکانس‌هایی، صورت‌ها گرمی گرفته‌ای دارند، در حالیکه این نوع گرمی از زمان رضا شاه به ایران آمد و تنها مخصوص خانم‌های درباری بود که خانومی از فرانسسه آن‌را به ایران آورد.

علی اصغر حکیمی



همه قسمت‌های سرریال شهرزاد را دیدم. به نظرم عبدا... اسکندری مثل همیشه به خوبی از عهده کار برآمده است. گرمی‌ها بسیار خوب و حرفه‌ای انجام شده است و با زمانی از تاریخ‌ها که به تصویر کشیده، کاملا همخوانی دارد. به نظرم شهرزاد به موفقیت‌های کاری اسکندری افزود، زیرا شیوه متفاوت و خوبی را برای این مجموعه پیاده کرد. به طور قطع سرریال شهرزاد با توجه به کارگردان، کاربلد و عوامل حرفه‌ای‌اش می‌تواند از سرریال‌های درجه یک باشد. به طور قطع اگر فضا بازتر شود، در تولیدات و نوشتار شاهد اتفاقات بهتری خواهیم بود همانطور که حسن فتحی و نغمه ثمنی نوشتند. امیدوارم سرریال‌های دیگر هم مانند مجموعه موفق و پرطرفدار شهرزاد سیر صعودی پیدا کنند.

مهرداد قلی‌پور



شهرزاد با توجه به نوع ساخت و نگاهی که حسن فتحی بر روی تک‌تک آثارش دارد، سرریال بسیار موفق و پرمخاطبی شده است. چهره‌پردازان این مجموعه بیشتر سعی کردند با توجه به شخصیت پردازی کار را پیش ببرند تا اینکه تغییر چهره در صورت بازیگران داشته باشند. من چهره‌پردازی سرریال شهرزاد را می‌پسندم زیرا خط نگاهم به همین شکل است، یعنی نوع چهره‌پردازی‌شان به خط مشی من نزدیک است. در سال‌های اخیر مجموعه‌هایی ساخته شده است که شاید چهره‌پردازی آنها از کیفیت خیلی بالایی برخوردار نبوده اما چهره‌پردازی این سرریال معقول است و غلو نشده نیست. با توجه به سابقه‌ای که حسن فتحی در سرریال‌سازی دارد که در ذهن مردم همیشه از او و آثارش به خوبی یاد می‌شود، این سرریال هم همانند آثار دیگر او، مخاطب را جذب کرده است. شهرزاد فیلمنامه خوبی دارد و در کنار فیلمنامه، بازیگرانی همچون شهاب حسینی، ترانه علیدوستی و دیگر بازیگران موجب شدند تا سرریالی اینگونه موفق ساخته شود.

آذر هوشیار



چهره‌پردازی سرریال شهرزاد بسیار حرفه‌ای انجام شده است اما نکته ظریفی که در فصل دوم دیده می‌شود، این است که چهره‌ها کمی پرش دارد. این نکته در مورد شخصیت‌های خانم بیشتر دیده می‌شود. البته طبیعی است که همه سکانس‌ها با هم تصویربرداری نمی‌شود، اما گرمی‌ها باید را کورد تصویر را حفظ کند. با توجه به اینکه عبدا... اسکندری کارش بسیار حرفه‌ایست، می‌توانست در این بخش اجزای بهتری داشته باشد. البته که اسکندری استاد همه ما محسوب می‌شود و شاید این مشکل به طراح برگردد. به عنوان مثال، چهره رویا نونهالی در جاهایی قجری و در جاهایی امروزی دیده می‌شود. نباید از یاد ببریم که برای هر یک از عوامل در سینما، کار با حسن فتحی افتخار است و قصه و کارگردانی در موفقیت این سرریال بسیار تأثیرگذار بوده است. از تعریف کارهای حسن فتحی است که همیشه در آثارش مخاطب را به تفکر وامی‌دارد و این مشخصه مثبت و اصلی آثار او است.



عکاسان خبری سینمای ایران از «شهرزاد» می‌گویند:

شهرزاد شربت بیدمشک مادر بزرگ است

درستی رعایت می‌شود. نمونه‌اش گردنبد مرغ آمین. دقت کنید در چه لحظاتی از آن استفاده می‌شود و چقدر دقیق حس فضا با این یک گردنبد بیان می‌شود. حتما تصویر پاره شدنش توسط فرهاد شما را هم نگران یک تنش احساسی عمیق در قسمت نهم کرده است. به این عزیمت کدها در سریال دقت کنید!

ایران روزهای عجیبی را پشت سر می‌گذارد. ما کتاب نمی‌خوانیم. تاریخ و فرهنگ‌مان را نمی‌شناسیم و روز به روز سلیقه بصری‌مان بیشتر تحلیل می‌رود. در این میان، آدم‌هایی پیدا شده‌اند که درست کار کردن را بلدند. تاثیر گذاری مثبت روی سطح سلیقه را بلدند. آشنا کردن مردم با شعر و ادبیات را بلدند. کسانی آمده‌اند که مصدق را از شلوغی‌های ۲۹ اسفند به روزمره زندگی‌های مان آورده‌اند، مصدقی که خون ملت بوده و هست.

سرانه مطالعه کتاب در ایران کمتر از سه درصد است. در چنین وضعیتی شاید خوراک تصویری سالم، تا حدی جبران‌کننده‌ی کتاب نخواندن مان باشد.

ثمینی و فتیحی یک خوراک سالم همچنان انگیز تهیه کرده‌اند. در این روزهایی که سریال‌های ضعیف تلویزیون و آب‌دوغ خیاری‌های ترکیه‌ای، شعور دیداری و شنیداری‌مان را به قیقرا می‌برند؛ شهرزاد شربت بیدمشک مادر بزرگ است. نوشیدنی خنکی که در این گرما، جگرمان حال می‌آید از نوشیدنش و اعصاب‌مان هم آرام.

الهام احمدی (سینماتیکت)



شاید درست آن باشد که در جایگاه یک عکاس از قاب‌ها

بنویسیم؛ اما بسنده می‌کنم به یک جمله: فتیحی جادوگر تصویر است.

شاملودر یکی از اشعارش می‌گوید: «هرگز رازیسته‌ام من / به عمری سخت‌دراز فرساینده»

شهرزاد روایتی دارد مشابه این، یک تکه از شعر بامداد. داستانی برآمده از نامش، از جنس هزار و یک شبی که زن قصه‌گو از درونش بر خاسته و به فرهنگ ما پیوسته است. هزار یک و شب دعا و انتظار، برای آن که سلطان این بار دختر را نکشد؛ و چقدر انتظار در لحظه لحظه این سریال موج می‌زند. نمونه‌اش انتظار قیاد برای بازگشت شهرزاد و در پی‌اش انتظار ما برای فهمیدن آنکه بالاخره قیاد پیروز این میدان است یا فرهاد.

نغمه ثمینی و حسن فتیحی فرهنگ ما را می‌شناسند. می‌دانند چه چیزی احساس جمعی را بر می‌انگیزد. می‌دانند حالا جامعه نیاز دارد، چه چیزهایی را به یاد آورد. شهرزاد پر است از نشانه. چخوف جمله‌ای دارد با این مضمون که «اگر اول داستان اسلحه‌ای را نشان می‌دهیم، آن اسلحه تا آخر داستان باید یک کاری بکند». منطق چخوف در داستان پردازی شهرزاد به



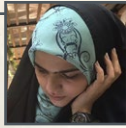


**امیر حسین
غضنفری
(سینماپرس)**

هر هفته دوشنبه‌ها خانه ما سینمای خانگی است و قسمت جدید شهرزاد را اکران می‌کنیم! شهرزاد در حوزه نمایش خانگی، سریالی خاص با موضوع عاشقانه و بازی خوب بازیگران است که جذابیت زیادی هم دارد. همان‌طور که فصل اول را دیده بودیم، فصل دوم را هم دنبال می‌کنیم، حس و حال خوب سریال در دو سری ادامه داشته و حالا با ورود آدم‌های جدید این جذابیت بیشتر هم شده است. نکته‌ای که درباره تفاوت این دو سری وجود دارد، این است که در سری اول تم عاشقانه خیلی بیشتر بود و عاشقانه‌های فرهاد و شهرزاد برای مخاطب اتفاق ویژه‌ای به حساب می‌آمد. در سری دوم فضای گانگستری و انتقام بزرگان خیلی پررنگ‌تر شده، البته مشخص است که قیاد برای اینکه جای بزرگ آقا و قدرتی که داشت را پر کند، به این فضای جنایی نیاز دارد.

در سری دوم، نقش شهرزاد کمی کم‌رنگ شده و فضای کلی از سکانس‌های عاشقانه‌ای که از زوج‌های مختلف می‌دیدیم، به سمت تسویه حساب‌های خانوادگی رفته است. حتی در سری اول عاشق فرهاد به آذر، یا دوست فرهاد و حتی عاشقانه‌های قباد و شهرزاد به میزان زیادی هیجان‌انگیز بود، با پیش رفتن سری دوم، زندگی آدم‌ها به سمت معمولی شدن پیش رفته و حتی فرهاد و شهرزاد هم درگیر این روال عادی شده‌اند. در سری دوم و با توجه به حضور بازیگرهای جدید که بیشتر هم در نقش‌های مهم ظاهر شده‌اند، به سمت قدرت‌نمایی رفته و هر کسی سعی می‌کند نفوذ بیشتری بر اوضاع و شرایط داشته باشد.

به طور کلی «شهرزاد» جذابیت‌های زیادی دارد و با اینکه اتفاق‌ها در هر قسمت کمتر شده و برخی سکانس‌ها کمی طولانی است، اما حسن فتوحی در مجموعه‌های قبلی و همین سری قبل شهرزاد به ما نشان داده که به خوبی از پس غافلگیر کردن مخاطب برمی‌آید و خراب کردن بلد نیست! ما هم از دیدن سریال آن هم هر دوشنبه لذت می‌بریم.



**مریم کاملیاب
(مهتر)**

شهرزاد سریال خوش ساختی است که جمعی از بازیگران با بازی‌های خوب در آن ایفای نقش می‌کنند و فضا و صحنه‌پردازی خیلی خوبی هم دارد. داستان به شکلی است که در هر قسمت مخاطب را برای قسمت بعدی تشنه نگه می‌دارد. بازی‌های خوب باعث همذات‌پنداری مخاطب با همه کاراکترها می‌شود، به هر حال حضور چهره‌های شناخته شده برای مردم هم جذابیت دارد و هر بار که بازی آن‌ها را می‌بینیم، فکری می‌کنیم فرد بهتری برای این نقش نیست. قصه شهرزاد با اینکه در یک خط بیان می‌شود اما با شخصیت‌پردازی و داستان‌پردازی به خوبی بسط داده شده و روایت برخی واقعه‌های تاریخی در برهه زمانی در داستان، برای همه‌ها جذابیت دارد و آن‌ها را پیگیر ماجرامی‌کند.

نکته دیگری که در شهرزاد خیلی به چشم می‌آید، خوش‌رنگ و لعاب بودن فضای کلی آن است. لوکیشن، نور و طراحی صحنه و لباس واقعا چشم‌نواز است و همه چیز در کنار بازی‌ها و کارگردانی خوب از مهم‌ترین عواملی است که مخاطب را جذب می‌کند. خوبی شهرزاد این است که این روزها جزئی از زندگی ما شده و برای ما مانع است که شخصیت‌هایی که می‌شناسیم‌شان، چه تصمیم‌هایی می‌گیرند و چه اتفاقات تازه‌ای برای‌شان می‌افتد. شخصا از ماجرای عشق شهرزاد و فرهاد خیلی لذت می‌بردم و دلم می‌خواست زودتر بهم برسد!

خوبی دیگری هم که شهرزاد دارد این است که همه اجزای آن به خوبی و درست سر جای‌شان هستند، همه چیز تا اندازه‌ای حرف‌های است که مخاطب فقط داستان و حوادث را دنبال می‌کند. بین سریال‌های دیگری از آقای فتوحی دیده‌ام، «مدار صفر درجه» هم چنین فضایی داشت و هنوز هم در ذهن من مانده است. من با اینکه دو سریال نمایش خانگی این روزها را دنبال می‌کردم، می‌توانم بگویم شهرزاد به واسطه فضای نوستالژیکی که دارد و به تصویر کشیدن روزگاری که در آن نبودم، بیشتر مرا جذب خودش کرده است. اینکه روابط خانوادگی و فضای اجتماعی آن روزگار را می‌توان دید، البته احساسی که میان این افراد وجود دارد را لمس کرد خیلی مهم است؛ تمام این‌ها در شرایطی است که این اتفاقات در دوران گذشته رخ داده است اما سریال، آن فضا را برای ما ملموس کرده است.



قاب آینده

قسمت دهم



پنجاه شوم قیام و شاهپور چه کسی را به آتش می‌کشد؟



هاشم خان قرظی خشم قیام می‌شود یا می‌تواند او را مهار کند؟



شیرین می‌تواند دوباره خود را پیدا کند و به زندگی بازگردد؟



شاپور این بار چه شوی زیر سر دارد؟



سرنوشت بلقیس به کجا می‌رسد؟ او نه حریف قباد است و نه می‌تواند شیرین را بیابا کند.



چشم همه مخاطبان به فرهاد شاعر و عاشق است. اون می‌تواند شهزاد را حفظ کند؟





تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

Lotiis
PLAY
LotusPlay.ir



فصل دهم
شهرزاد

عرضه قسمت دهم: دوشنبه ۶ شهریور ماه

www.shahrzadseries.com